پیش‌بینی پرخاشگری و هویت اخلاقی بر اساس انسجام خانواده، الگوی ارتباطی و حمایت اجتماعی خانواده*

◈ سجاد پوررضایی[۱] ◈ دکتر علی‌رضا عظیم‌پور[۲] ◈ دکتر نوراله محمدی[۳]

چکیده: بر اساس الگوی عمومی پرخاشگری انتظار می‌رود گرایشهای جامعه‌ستیز و جامعه‌یار از متغیرهای خانوادگی تأثیر پذیرند. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پرخاشگری و هویت اخلاقی بر اساس انسجام خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده و حمایت اجتماعی خانواده انجام شده است. طرح پژوهش حاضر همبستگی و جامعهٔ آماری آن دانش‌آموزان پسر دبیرستانی استهبان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. نمونه شامل ۲۵۳ دانش‌آموزی بود که به‌شیوهٔ نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های پرخاشگری (باس و پری، ۱۹۹۲)، هویت اخلاقی (آکینو و رید، ۲۰۰۲)، حمایت اجتماعی (واکس و همکاران، ۱۹۸۶)، الگوی ارتباطی خانواده (کوئرنر و همکاران، ۲۰۰۲)، انسجام خانواده (سامانی، ۱۳۸۱) و مقبول‌نمایی اجتماعی (رینولدز،۱۹۸۲)، گردآوری و با استفاده از همبستگی پیرسون، همبستگی تفکیکی (برای مهار مقبول‌نمایی اجتماعی) و رگرسیون چندگانه از طریق نسخهٔ ۲۲ نرم‌افزار SPSS تجزیه‌وتحلیل شدند. نتایج نشان داد که سبک ارتباطی گفت‌وشنود و انسجام خانواده با پرخاشگری رابطه‌ای منفی و با هویت اخلاقی رابطه‌ای مثبت دارد. همچنین سبک ارتباطی همنوایی و حمایت اجتماعی خانواده با پرخاشگری رابطه‌ای مثبت و با هویت اخلاقی رابطه‌ای منفی دارد. پرخاشگری به میزان ۷۱ درصد از طریق حمایت اجتماعی خانواده و الگوهای ارتباطی همنوایی و گفت‌وشنود و هویت اخلاقی نیز به میزان ۱۳درصد از طریق الگوی گفت‌وشنود و انسجام خانوادگی پیش‌بینی شد. رابطهٔ مثبت حمایت اجتماعی با پرخاشگری و رابطهٔ منفی آن با هویت اخلاقی خلاف پیش‌بینی بود. با این‌حال، پژوهش حاضر، نقش متغیرهای خانوادگی در پرخاشگری و هویت اخلاقی را تأیید کرد.

کلید واژگان: انسجام خانواده، الگوی ارتباطی خانواده، پرخاشگری، حمایت اجتماعی خانواده، هویت اخلاقی

◉ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ ◉ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱

** این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسندهٔ اول است.*

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران. **E-mail:** sajjadpourrezaie@yahoo.com

۲. **نویسنده مسئول:** استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران. **E-mail:** a.azimpour@kazerunsfu.ac.ir

۳. استاد گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. **E-mail:** nmohamadi@shirazu.ac.ir

مقدمه

یکی از تغییرات رایج دوران نوجوانی، به‌ویژه در نوجوانان پسر، طغیانهای پرخاشگری[1] است (خیمنز و استوز[2]، ۲۰۱۷). هر رفتاری که دارای نیت آنی آسیب‌رسانی به دیگران باشد، پرخاشگری است (وینسترا[3] و همکاران، ۲۰۱۸). پرخاشگری افزون بر اثرپذیری از عوامل تکاملی و زیستی از متغیرهای موقعیتی و فرهنگی نیز تأثیر می‌پذیرد. این متغیرهای فرهنگی ضرورت انجام دادن پژوهشهایی در مورد پرخاشگری در فرهنگهای غیرغربی را ایجاب می‌کنند (گل[4] و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات انجام شده در جامعهٔ ایرانی از شیوع بالای رفتارهای پرخاشگرانه به‌خصوص در میان پسران نوجوان حکایت دارد (ترشیزی و سعادتجو، ۱۳۹۱؛ بخشانی و همکاران، ۱۳۸۶) که می‌تواند عواقبی قانونی، اجتماعی، روانی و جانی برای مرتکبین و قربانیان داشته باشد (والویس[5] و همکاران، ۲۰۱۷).

در نوجوانانی ضمن طغیان پرخاشگری به‌عنوان گرایشی جامعه‌ستیزانه[6]، گرایشهای جامعه‌یاری[7] چون نوع‌دوستی، همدلی و استدلالهای اخلاقی نیز ارتقا می‌یابند (ون‌درگراف[8] و همکاران، ۲۰۱۸). در برخی از پژوهشها مشخص شده است که این متغیرهای جامعه‌یار توسط متغیری کلیدی موسوم به هویت اخلاقی[9] پیش‌بینی می‌شوند (عظیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). هویت اخلاقی خودپنداره‌ای است که حول ارزشهای اخلاقی شکل می‌گیرد (آکیونو و رید[10]، ۲۰۰۲). طبیعی است که نظامهای متکفل پرورش نوجوانان اعم از مدرسه و خانواده بکوشند به کاهش گرایشهای جامعه‌ستیزانه‌ای چون پرخاشگری و به ارتقای گرایشهای جامعه‌یاری چون هویت اخلاقی مبادرت ورزند. در پژوهش حاضر نقش خانواده در چارچوب برخی متغیرهای خانوادگی در این فرایند بررسی می‌شود.

یکی از متغیرهایی که انواع خانواده‌ها را از هم متمایز می‌کند و شاید بتواند تأثیرگذاری خانواده برگرایشهای جامعه‌یار و جامعه‌ستیز را تبیین کند، انسجام خانواده[11]است (بکمن[12]، ۲۰۲۰) که با نزدیکی هیجانی و جسمی اعضای خانواده، گرما، حمایت، تعاملات خانوادگی باثبات و اتصال خانوادگی[13] ادراک‌شده در تعاملات خانوادگی روزمرهٔ نزدیک مشخص می‌شود (الام[14] و همکاران، ۲۰۱۸). متغیر دیگر الگوهای

1. Aggression
2. Jiménez & Estévez
3. Veenstra
4. Gul
5. Valois
6. Antisocial tendencies
7. Prosocial tendencies
8. Van der Graaff
9. Moral identity
10. Aquino & Reed
11. Family cohesion
12. Beckmann
13. Familial ties
14. Elam

ارتباطی متفاوت خانواده شامل دو الگوی ارتباطی جهت‌گیری گفت‌وشنود[1] و جهت‌گیری همنوایی[2] است (کوئرنر و فیتزپاتریک[3]، ۲۰۰۲). گفت‌وشـــنود اعضای خانواده را به‌طور پیوسته و خودانگیخته به تعامل با یکدیگر هدایت می‌کند و همنوایی آنها را به حرف‌شنوی از والدین، همسان‌سازی نگرشها، ارزشها و باورها ســـوق می‌دهد (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). متغیر خانوادگی دیگر سطوح متفاوت حمایت اجتماعی خانواده اســـت. حمایت اجتماعی آگاهی شخص از این موضوع اســـت که فرد یا افراد دیگری مراقب‌اند، احترام می‌گذارند و ملاحظهٔ رفاه شخص را دارند (رایت و واکس[4]، ۲۰۱۹).

هرچند در جســـتجوی پیشینه، پژوهشی درباره رابطهٔ انســـجام خانوادگی و هویت اخلاقی فرزندان یافت نشـــد، اما برخی پژوهشها رابطهٔ منفی انسجام خانوادگی با پرخاشگری در نوجوانان را نشان دادند. بکمن (۲۰۲۰) در پژوهشـــی دربارهٔ کودکان آلمانی کلاس نهم این رابطهٔ منفی را با پرخاشـــگری بدنی نسبت به والدین، بولگا[5] و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی دربارهٔ دانش‌آموزان نوجوان اسپانیایی این رابطه را با قلدری در فضای مجازی[6]، الام و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی دربارهٔ نوجوانان آمریکایی اروپایی‌تبار و مکزیکی‌تبار آن را با پرخاشـــگری و یو[7] (۲۰۱۸) در پژوهشی دربارهٔ نوجوانان پسر کره‌ای همین رابطه را با پرخاشگری گزارش کرده‌اند. با در نظر گرفتن مقدار همبستگی به عنوان شاخص اندازهٔ اثر (کوهن[8]، ۱۹۹۸) روابط دارای اندازهٔ اثر اندک تا متوسط بودند.

برخی پژوهشـــها رابطهٔ مثبت متغیرهای پرخاشگرانه با الگوهای ارتباطی ناپخته در خانواده و رابطهٔ منفـــی این متغیرها با الگوهای پخته را نشـــان می‌دهند. ادنولر و هریس[9] (۲۰۱۸) در پژوهشـــی دربارهٔ کـــودکان آمریکایی رابطهٔ مثبت جهت‌گیری ارتباطی همنوایی با پیش‌داوریهای نژادی و رابطهٔ منفی آن را با مدارای نژادی نشـــان دادند. لو[10] و همکاران (۲۰۲۱) با اســـتفاده از مدل نظری دیگری از الگوهای ارتباطی خانواده شـــامل دو بعد خصومت و بیانگری[11] (متغیری شبیه به الگوی گفت‌وشنود در پژوهش حاضر) در نوجوانان نیکاراگوئه‌ای، نشان دادند که رابطهٔ خشونت در قرارهای عاشقانه با خصومت مثبت و با بیانگری منفی بود. از این گذشته رفتارهای برونی‌سازی (به عنوان متغیری که شامل پرخاشگری هم می‌شود) دارای رابطه‌ای مثبت با خصومت و رابطه‌ای منفی با بیانگری بودند. در پژوهش بولگا و همکاران (۲۰۱۷) دربارهٔ نوجوانان اسپانیایی با بهره‌گیری از مدلی سه عاملی شامل عوامل ارتباطی باز، اجتنابی و

1. Conversation orientation
2. Conformity orientation
3. Koerner & Fitzpatrick
4. Wright & Wachs
5. Buelga
6. Cyberbullying
7. Yuh
8. Cohen
9. Odenweller & Harris
10. Lu
11. Hostility and expressiveness

مهاجم[1]، رابطهٔ قلدری در فضای مجازی و این ابعاد ارتباطی با پدر و با مادر بررسی شد. الگوهای اجتنابی و مهاجم دارای رابطه‌ای مثبت و الگوی باز دارای رابطه‌ای منفی با قلدری بود. شـــروت و کار[2] (۲۰۱۲) میان پرخاشگری کلامی برخی جوانان آمریکایی با الگوی ارتباطی گفت‌وشنود رابطه‌ای منفی و با الگوی ارتباطی همنوایی رابطه‌ای مثبت را گزارش کرده‌اند. البته روابط گزارش‌شده میان متغیرهای پرخاشگرانهٔ پژوهشهای فوق و سبکهای ارتباطی دارای اندازهٔ اثر عموماً اندک و در یک مورد متوسط بود.

در مورد رابطهٔ الگوهای ارتباطی در خانواده و هویت اخلاقی تا آنجا که جســـتجو شد پژوهشی یافته نشد. هرچند پژوهشی (ساهرتیان[3] و همکاران، ۲۰۲۱) دربارهٔ نوجوانان اندونزیایی نشان داده که دینداری، به‌منزلـــهٔ متغیری مرتبط با هویت اخلاقی با تعاملات خوب با خانواده دارای رابطه‌ای مثبت و بالاســـت. در جستجوی پژوهشهای گذشته همچنین، پژوهشی که رابطهٔ هویت اخلاقی و حمایت اجتماعی خانواده را بررسی کنـد، یافت نشـد. با ایـن‌حـال اینکه حمایت اجتماعی در کل می‌تـواند با پرخاشگری رابـطه‌ای منفی داشـــته باشد، در برخی از پژوهشها تأیید شـــد. کانیو[4] و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی پرخاشگری در میان گروهی از مبتلایان انگلیسی به بیماریهای پوستی، نشان دادند که حمایت اجتماعی به‌طور منفی پرخاشـــگری مبتلایان را پیش‌بینی می‌کند. ژاو[5] و همکاران (۲۰۱۷) نشـــان دادند که ابعادی از حمایت اجتماعی خانواده از دانشـــجویان چینی شامل حمایت ذهنی، عینی و کاربردی با پرخاشگری آنها دارای رابطهٔ منفی اســـت. آلسانترا[6] و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشـــی دربارهٔ برخی کودکان و نوجوانان برزیلی نشان دادند که حمایت اجتماعی خانواده و حمایت اجتماعی دوستان با پرخاشگری و قربانی‌سازی[7] دارای روابطی منفی است. رایت و واکس (۲۰۱۹) روابط حمایت اجتماعی دریافت شده از والدین، از دوستان و از معلمان با ابعاد متفاوتی از پرخاشـــگری را در گروهی از نوجوانان لاتین‌تبار آمریکایی نشـــان دادند. روابط منفی حمایت اجتماعی خانواده و پرخاشـــگری در پژوهشـــهای فوق، انـــدازهٔ اثرهایی از اندک تا متوسط را نشان می‌داد.

با این‌حال ادنولر و هریس (۲۰۱۸) در بررسی کودکان آمریکایی با ترکیب سبک ارتباطی همنوایی بالا و گفتگوی پایین سبک خانواده‌های حمایتگر[8] را تعریف کردند و نشان دادند که خانواده‌هایی با این سبک، پیش‌داوری نژادی بالاتر و مدارای نژادی پایین‌تری دارند. کرامر-کاهن و فرل[9] (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی دربارهٔ نوجوانان پرخاشگر عمدتاً سیاهپوست آمریکایی، نشان دادند که حمایت اجتماعی بالاتر خانواده‌ها

1. Open, avoidance and offensive
2. Schrodt & Carr
3. Sahertian
4. Coneo
5. Zhou
6. Alcantara
7. Victimization
8. Protective families
9. Kramer-Kuhn & Farrel

از رفتارهای پرخاشگرانه و حمایت پایین‌تر آنها از رفتارهای غیرپرخاشگرانه می‌تواند منجر به پرخاشگری شـــود. شاید بتوان گفت که حمایت اجتماعی بر اساس محتوا و بافت فرهنگی بتواند به نتایجی متفاوت اعم از کاهش یا افزایش پرخاشگری منجر شود.

تأثیرگذاری خانواده بر پرخاشگری را می‌توان بر اساس الگوی عمومی پرخاشگری (GAM)[1] (آلن[2] و همکاران، ۲۰۱۸) توضیح داد. این الگوی نظری با بســـط چشـــم‌انداز یادگیـــری اجتماعی[3] بندورا و ترکیب نظریه‌ها و یافته‌های پژوهشـــی دیگر، انواع و اقسام متغیرهای مؤثر بر پرخاشگری را یکپارچه کرده اســـت. در این الگوی نظری دو دســـته متغیر یعنی عوامل موقعیتی و عوامل شـــخصی به‌منزلهٔ متغیرهایی درونداد مورد پـــردازش فرد قرار می‌گیرند. این عوامل درونداد با تعامل انگیختگی، عاطفه و شـــناخت، بر ارزیابی و فرایندهـــای تصمیم‌گیری اثر می‌گذارند و در نهایت ســـبب عمل عاقلانه یا پرخاشـــگرانه می‌شـــوند. متغیرهای خانوادگی در چارچوب برخی عوامـــل موقعیتی درونداد این الگو، می‌توانند بر عمل پرخاشـــگرانه مؤثر باشـــند؛ عوامل موقعیتی چون در معرض الگوی پرخاشـــگر قرار گرفتن (مثلاً به شـــکل الگوهـــای ارتباطی ناپخته در خانواده)، تجربهٔ ناکامی (مثلاً به شـــکل حمایت اجتماعی اندک در خانواده)، علل ناراحت‌کننده و عاطفهٔ منفی (مثلاً در چارچوب انســـجام خانوادگی انـــدک). حتی برخی عوامل شـــخصیتی درونداد در این مدل نظری نیـــز می‌تواند توضیح‌دهندهٔ تأثیر متغیرهای خانوادگی بر پرخاشـــگری باشد. مثلاً سوگیری اسنادی خصمانه را می‌توان بر مبنای متغیر خانوادگی الگوهای ارتباطی ناپخته در خانواده‌ها توضیح داد.

هرچند می‌توان بر اساس الگوی عمومی پرخاشگری و پژوهشهای اشاره شده، وجود روابط متغیرهای خانوادگی و پرخاشـــگری را حدس زد اما ماهیت و میزان این روابط در جامعهٔ ایرانی محل تردید اســـت. درواقع در برخی فرهنگهای غیرغربی موســـوم به فرهنگهای افتخـــار، جامعه و نهادهای اجتماعی مثل خانواده حامی برخی اشـــکال خشونت و پرخاشگری فرزندان، به خصوص پرخاشگری در دفاع از ناموس و شـــرف خانواده‌اند (گل و همکاران، ۲۰۲۱). شاید بر این اساس بتوان انتظار داشت که روابطی متفاوت میان پرخاشگری و متغیرهای خانوادگی در جامعهٔ ایرانی رویت شود.

در الگوی عمومی پرخاشـــگری بر اســـاس دروندادها و نـــوع پردازش، در نهایت برونداد به شـــکل پرخاشـــگری یا رفتار عاقلانهٔ غیرپرخاشـــگرانه بروز می‌یابد (آلن و همکاران، ۲۰۱۸). این رفتار عاقلانه می‌تواند در چارچوب ارزشهایی جامعه‌یار و خلاف پرخاشگری بروز یابد. در نتیجه می‌توان انتظار داشت کـــه جریان خلاف پرخاشـــگری یعنی اخلاق و هویت اخلاقی نیز از متغیرهـــای خانوادگی تأثیر پذیرد. از آنجایی که نوع گفتگو و بحث یکی از راهبردها برای تربیت رشد اخلاقی (ریچارد[4] و همکاران، ۲۰۱۷)

1. General aggression model (GAM)
2. Allen
3. Social learning perspective
4. Richard

و کاهش پرخاشگری (بیبی[1] و همکاران، ۲۰۱۸) است، انتظار می‌رود نوع گفتگو و سبک ارتباطی در محیط خانواده بتواند بر متغیرهایی اخلاقی چون هویت اخلاقی مؤثر باشد. البته ماهیت و میزان رابطهٔ هویت اخلاقی با متغیرهایی چون حمایت اجتماعی خانواده و انسجام خانواده با توجه به نبود پیشینه نامشخص است.

در پژوهش حاضر همچنین تلاش می‌شود تا برای دستیابی به روابط واقعی‌تر اثر تورش مقبول‌نمایی اجتماعی[2] مورد مهار آماری واقع شود. این تورش معرف تلاش خودآگاه یا ناخودآگاه افراد برای ارائهٔ تصویری مطلوب و غیرواقعی از خود است. مقبول‌نمایی اجتماعی سبب نتایج متفاوت و همبستگیهای کاذب در یافته‌های مبتنی بر پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی می‌شود (لارسون[3]، ۲۰۱۹). در بسیاری از پژوهشها، روابط پرخاشگری و متغیرهای خانوادگی بدون سنجش و مهار این تورش صورت گرفته و در نتیجه یافته‌های مبتنی بر آن پژوهشها می‌تواند به دلیل اثر متغیر مداخله‌گر مقبول‌نمایی اجتماعی باشد.

پژوهش حاضر در صورت تأیید پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای خانوادگی فوق بر پرخاشگری و هویت اخلاقی نوجوانان، می‌تواند مقدمه‌ای برای پژوهشهای مداخله‌ای برای بررسی تأثیر تمهیدات آموزشی، مشاوره‌ای و درمانی متمرکز بر این متغیرهای خانوادگی، بر کاهش پرخاشگری یا افزایش هویت اخلاقی باشد. فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارت اند از:

۱. بین پرخاشگری و انسجام خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، رابطه منفی وجود دارد.
۲. بین هویت اخلاقی و انسجام خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، رابطه مثبت وجود دارد.
۳. بین پرخاشگری و سبک ارتباطی گفت‌وشنود در خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، رابطه منفی وجود دارد.
۴. بین هویت اخلاقی و سبک ارتباطی گفت‌وشنود در خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، رابطه مثبت وجود دارد.
۵. بین پرخاشگری و سبک ارتباطی همنوایی در خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، رابطه مثبت وجود دارد.
۶. بین هویت اخلاقی و سبک ارتباطی همنوایی در خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، رابطه وجود دارد.

1. Baby
2. Social desirability bias
3. Larson

۷. بین پرخاشگری و حمایت اجتماعی خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، رابطه منفی وجود دارد.

۸. بین هویت اخلاقی و حمایت اجتماعی خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، رابطه مثبت وجود دارد.

۹. انسجام خانواده، سبکهای ارتباطی خانواده و حمایت اجتماعی خانواده پس از مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی، پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کنند.

یادآور می‌شود که با توجه به ابهام ماهیت رابطه (مثبت یا منفی) سبک ارتباطی همنوایی و هویت اخلاقی (فرضیه ۶) این فرضیه بدون جهت ذکر شده است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. با استفاده از روش آماری رگرسیون چندگانه متغیر پرخاشگری و هویت اخلاقی به‌منزلهٔ متغیرهای ملاک و انسجام خانواده، الگوی ارتباطی خانواده و حمایت اجتماعی خانواده به‌منزلهٔ پیش‌بین لحاظ شدند. از این گذشته اثر مقبول‌نمایی اجتماعی به‌منزلهٔ متغیر مهار (کنترل) از طریق همبستگی تفکیکی[1] و در رگرسیون نیز در چارچوب متغیری مستقل، از سایر روابط تفکیک شد.

جامعهٔ آماری پژوهش شامل همهٔ دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهرستان استهبان (استان فارس) بود که در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل بودند و بر اساس آمار ادارهٔ آموزش پرورش شهرستان در حدود ۸۰۰۰ دانش‌آموز بودند. در یکی از رویکردها برای انتخاب کردن حجم نمونه بر اساس نوع پژوهش، برای یک پژوهش چندمتغیره حجم نمونه‌ای به اندازهٔ ۳۰۰ نفر خوب و حجم نمونه‌ای به‌اندازهٔ ۲۰۰ نفر قابل قبول در نظرگرفته شده است (سعدی‌پور، ۱۳۸۴). با عطف به این ملاک برای این پژوهش ابتدا ۳۰۰ نفر لحاظ شد که از این افراد ۲۶۰ نفر به‌منزلهٔ مشارکت‌کننده همکاری کردند. با توجه به مخدوش بودن و ناکامل بودن برخی پرسشنامه‌ها در نهایت ۲۵۳ پرسشنامه، برای تحلیل لحاظ شدند. نمونه موردنظر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد، به این صورت که پس از تعیین کردن تعداد کلاسها در سطح شهرستان در همهٔ آموزشگاهها، از طریق قرعه‌کشی ۱۲ کلاس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های مربوطه در اختیار دانش‌آموزان آن کلاسها قرار گرفت. به جز رضایت و یا عدم‌رضایت دانش‌آموزان برای مشارکت، ملاک ورود و خروج دیگری برای آزمون‌گیری لحاظ نشده بود. جدول شماره۱ تعداد کلاسها و افراد مشارکت‌کننده در آنها را نشان می‌دهد.

1. Partial correlation

جدول ۱. مدارس و کلاسهای مورد استفاده برای اخذ نمونه

	نام دبیرستان	تعداد کلاس مورد استفاده	تعداد دانش‌آموزان همکاری‌کننده
۱	امام خمینی	۱	۲۲
۲	شهید بهشتی	۲	۴۲
۳	شهید مدرس	۳	۶۳
۴	فرهنگیان	۱	۲۴
۵	ملاصدرا	۳	۵۸
۶	امیرکبیر	۲	۴۴

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش افزون بر پرسشنامه محقق‌ساخته برای کسب اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل سن، محل سکونت (شهر یا روستا)، تعداد اعضای خانواده و تحصیلات والدین، از ابزارهای خودگزارشی زیر استفاده شده است.

۱. پرسشنامه پرخاشگری باس و پری[1]: این پرسشنامه را باس و پری (۱۹۹۲) ساخته‌اند و شامل ۲۹ سؤال با طیف پاسخ‌دهی صفر (اصلاً شبیه من نیست) تا ۵ (کاملاً شبیه من است) برای هر گویه است که چهار خرده‌مقیاس پرخاشگری جسمانی (۹ گویه)، کلامی (۵ گویه)، خصومت (جنبهٔ شناختی پرخاشگری با ۸ گویه) و خشم (جنبهٔ هیجانی پرخاشگری با ۷ گویه) را می‌سنجد. نمرهٔ کلی پرخاشگری از ۲۹ تا ۱۴۵ گسترده شده است. پایایی آن را سازندگان به روش بازآزمایی بررسی کرده‌اند که بیانگر ضریب همبستگی ۰/۸۰، ۰/۷۶، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ به ترتیب برای مؤلفه‌های جسمانی، کلامی، خصومت و خشم بود. در بررسی محمدی (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ کل مقیاس و همچنین مؤلفه‌های جسمانی، کلامی، خصومت و خشم به‌ترتیب برابر با ۰/۸۹، ۰/۷۹، ۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۸۲ و بر اساس داده‌های پژوهش حاضر به ترتیب برابر با ۰/۸۲، ۰/۷۵، ۰/۳۵، ۰/۳۷ و ۰/۵۴ بود. همچنین روایی سازهٔ پژوهش در پژوهش محمدی (۱۳۸۵) به روش تحلیل عامل و روایی همگرا و ملاکی نیز تأیید شد.

1. Buss-Perry Aggression Questionnaire (BPAQ)

۲. مقیاس اهمیت برای خویشتن هویت اخلاقی[1]: این مقیاس را آکینو و رید (۲۰۰۲) ساخته‌اند و دارای ۱۰ گویه، مقیاس پاسخ‌دهی از به شدت مخالف (۱) تا به شدت موافق (۷) و دو خرده‌مقیاس درونی‌سازی (میزانی که صفات اخلاقی در خودپنداره فرد مرکزیت یافته است) و نمادی‌سازی (میزانی که هر آزمودنی هویت اخلاقی را در ظاهرش نشان می‌دهد) است. این مقیاس از ۵ تا ۳۵ برای هر خرده‌مقیاس نمره‌گذاری می‌شود و فاقد نمرهٔ کل است. در نتیجه به تبعیت از سازندگان مقیاس، در این پژوهش خرده‌مقیاس درونی‌سازی به عنوان کلیت هویت اخلاقی در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش سازندگان ضریب آلفای کرونباخ برای درونی‌سازی و نمادی‌سازی به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۸۲ بود. این مقیاس را عظیم‌پور و همکاران (۱۳۹۳) به فارسی ترجمه و اعتباریابی کرده‌اند و آلفای کرونباخ برای هر دو خرده‌مقیاس در نسخهٔ فارسی به مقدار ۰/۷۷ گزارش شده است. همچنین در تحقیق نامبردگان تحلیل عامل تأییدی روایی سازهٔ نسخهٔ فارسی مقیاس را تأیید کرده است. با استفاده از داده‌های پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۷۴ برای درونی‌سازی و ۰/۶۹ برای نمادی‌سازی بوده است.

۳. پرسشنامه حمایت اجتماعی[2]: این پرسشنامه را واکس[3] و همکاران (۱۹۸۶) تهیه کرده‌اند و دارای ۲۳ گویه بود که سه خرده‌مقیاس حمایت خانواده (۸ گویه)، دوستان (۷ گویه) و دیگران (۸ گویه) را می‌سنجد. پایایی این ابزار را سازندگان به روش ضریب آلفای کرونباخ برای سه خرده‌مقیاس به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۰ و ۰/۸۴ به دست آورده‌اند. ابراهیمی‌قوام (۱۳۷۱؛ به نقل از خباز و همکاران، ۱۳۹۰) این مقیاس را به فارسی ترجمه و اعتباریابی کرده و پایایی را برای دانشجویان ۰/۹۰ و برای دانش‌آموزان ۰/۷۰ گزارش داده است. در نسخهٔ فارسی مقیاس پاسخ‌دهی صفر و ۱ بود و در نتیجه پرسشنامه برای خرده‌مقیاس حمایت دوستان از صفر تا ۷ و برای بقیهٔ خرده‌مقیاسها از صفر تا ۸ نمره‌گزاری می‌شود. نسخهٔ اصلی این پرسشنامه واجد روایی همگرا و افتراقی بود (واکس و همکاران، ۱۹۸۶) با این‌حال در نسخهٔ فارسی تا آنجا که جستجو شده شواهدی از روایی گزارش نشده است. در پژوهش حاضر با روش کودر - ریچاردسون (K-20) همسانی درونی برای حمایت خانواده ۰/۵۳، حمایت دوستان ۰/۶۶ و حمایت دیگران ۰/۴۹ به‌دست آمده است.

۴. ابزار تجدیدنظر شدهٔ الگوی ارتباطی خانواده[4]: این پرسشنامه که را کوئرنر و همکاران (۲۰۰۲) ساخته‌اند و دارای ۲۶ گویه است که دو خرده‌مقیاس گفت‌وشنود و همنوایی را می‌سنجد. مقیاس پاسخ‌دهی از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) است. ۱۱ گویه به خرده‌مقیاس

1. Self-importance of moral identity scale (SMIS)
2. The Social Support Appraisals (SS-A) scale
3. Vaux
4. Revised Family Communication Patterns Scale (RFCP)

گفت‌وشنود و ۱۵ گویه به خرده‌مقیاس همنوایی اختصاص دارد. نمرهٔ بعد گفت‌وشنود از ۱۱ تا ۵۵ و نمرهٔ بعد همنوایی از ۱۵ تا ۷۵ اســـت. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش ســـازندگان ۰/۸۹ برای گفت‌وشنود و ۰/۷۹ برای همنوایی بود. اعتباریابی این ابزار را در ایران کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) انجام داده‌اند که نشان داد که روایی سازهٔ این مقیاس از طریق تحلیل عامل اکتشافی تأیید شده اســـت. افزون بر این آلفای کرونباخ برای گفت‌وشـــنود و همنوایی به ترتیـــب ۰/۸۷ و ۰/۸۱ بود. در داده‌های پژوهش حاضر بعد گفت‌وشـــنود دارای آلفای کرونبـــاخ ۰/۸۶ و بعد همنوایی دارای آلفای ۰/۷۲ بود.

۵. **پرسشنامه انسجام خانواده:** پرسشنامه ۲۸ سؤالی انسجام خانواده یک ابزار داخلی است که ســـامانی (۱۳۸۱) تهیه و اعتباریابی کرده اســـت. این پرسشنامه دارای ۲۸ گویه است که مقیاس پاســـخ‌دهی به هر گویهٔ آن از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) اســـت و نمرهٔ آزمون از ۲۸ تا ۱۴۰ گســـترده شده است. در پژوهش ســـازندگان ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و در داده‌های پژوهش حاضر این مقدار ۰/۷۷ بود. روابط این مقیاس با ابعاد هشـــتگانه یک پرسشـــنامه انسجام خانواده دیگـــر، موید روایی ملاکی این مقیاس بود (رضویه و ســـامانی، ۱۳۷۹؛ به نقل از جمشـــیدی و همکاران، ۱۳۸۷).

۶. **مقیاس مقبول‌نمایی اجتماعی مارلو و کراون:** این مقیاس نسخه کوتاه شدهٔ مقیاس ۳۳ ماده‌ای است که کراون و مارلو[1] در سال ۱۹۶۰ ساخته‌اند و رینولدز[2] (۱۹۸۲) آن را به ۱۳ ماده تقلیل داده است. مقیاس پاسخ‌دهی به شکل درست (۰) و نادرست (۱) و نمره‌گذاری آن از صفر تا ۱۳ است. رینولدز (۱۹۸۲) میزان اعتبار به روش کودر-ریچاردســـون را ۰/۷۶ گزارش داده است. ترجمه و اعتباریابی این مقیاس را به فارسی نجاریان (۱۹۹۲، به نقل از نجاریان و سودانی، ۱۳۸۰) انجام داده است. در این اعتباریابی همبستگی این مقیاس با ملاک L آزمون MMPI معنادار و معرف روایی ملاکی مقیاس بود. در پژوهش عظیم‌پور و همکاران (۲۰۱۲) همسانی درونی این مقیاس با روش کودر-ریچاردســـون (k-20) برابر با ۰/۵۱ و بر اســـاس داده‌های پژوهش حاضر برابر با ۰/۵۲ بود.

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناسی حاکی از آن بود که نزدیک به ۹۰ درصد افراد نمونه در دامنهٔ سنی ۱۶ تا ۱۸ قرار داشتند. میانگین و انحراف معیار سن به ترتیب ۱۶/۷۷ و ۰/۸۱ بود. از لحاظ سکونت ۶۶/۸ درصد افراد ساکن شهر و بقیه روستایی بودند. از لحاظ تحصیلات والدین، ۷۰ درصد مادران و ۶۴ درصد پدران دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. همچنین تعداد افراد خانوار در بیش از نیمی از خانواده‌ها بین ۱ تا ۵ نفر بود.

1. Crowne & Marlowe
2. Reynolds

جدول ۲. یافته‌های توصیفی برای متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
پرخاشگری جسمانی	۲۴/۷۹	۶/۵۷	-۰/۰۷۷	-۰/۴۳
پرخاشگری کلامی	۱۴/۱۹	۴/۲۵	۰/۹۸	۵/۵۰
خشم	۱۶/۷۸	۴/۶۸	-۰/۰۳	-۰/۳۹
خصومت	۲۲/۷۶	۷/۱۷	۲/۱۸	۱۸/۸۶
پرخاشگری کل	۷۸/۵۲	۱۷/۲۸	۰/۱۵۱	۰/۹۷
درونی‌سازی هویت اخلاقی	۲۵/۳۵	۷/۱۷	۲/۱۸	۱۸/۸۶
نمادی‌سازی هویت اخلاقی	۲۱/۷۲	۵/۷۹	-۰/۰۳۷	-۰/۰۲۶
گفت‌وشنود	۴۹/۵۶	۱۱/۶۱	-۰/۳۹	-۰/۰۲۶
همنوایی	۳۱/۸۰	۷/۶۳	-۰/۰۰۲	۰/۵۷
حمایت خانواده	۲۳/۸۱	۶/۹۸	۲/۰۶	۱۵/۷۵
حمایت دوستان	۲۰/۲۱	۴/۴۰	-۰/۰۹	-۰/۵۲
حمایت دیگران	۱۷/۱۶	۴/۴۷	۰/۰۷	۰/۱۵
حمایت کل	۶۱/۱۹	۱۲/۷۶	۰/۳۹	۲/۶۴
انسجام خانواده	۸۶/۴۲	۱۳/۰۵	-۰/۶۴	۴/۶۷
مقبول‌نمایی اجتماعی	۵/۸۰	۲/۳۴	۰/۴۶	۰/۲۱

جدول شماره ۲ یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد به جز کجی متغیرهای خصومت و درونی‌سازی هویت اخلاقی و همچنین به جز کشیدگی در متغیرهای پرخاشگری کلامی، خصومت و درونی‌سازی هویت اخلاقی، حمایت خانواده و انسجام خانواده، سایر متغیرها در دامنهٔ ۲+ و ۲- قرار می‌گرفتند و واجد توزیع بهنجار بودند.

در بررسی روابط همبستگی پیرسون متغیرهای جمعیت‌شناختی و دو متغیر وابستهٔ پرخاشگری (نمرهٔ کل) و هویت اخلاقی (درونی‌سازی) مشخص شد که رابطهٔ سن آزمودنیها با پرخاشگری ۰/۱۹- ($p<۰/۰۱$) و با درونی‌سازی هویت اخلاقی ۰/۲۱ ($p<۰/۰۱$) بود. رابطهٔ تعداد افراد خانواده با پرخاشگری ۰/۱۳- ($p<۰/۰۵$) و با هویت اخلاقی ۰/۱۴ ($p<۰/۰۵$) بود. میان تحصیلات پدر و پرخاشگری ($r:-۰/۰۷۲$) و هویت اخلاقی ($r:۰/۰۸۷$) و همچنین میان تحصیلات مادر و هویت اخلاقی ($r:۰/۱$)

رابطه‌ای معنادار وجود نداشت، اما رابطهٔ تحصیلات مادر و پرخاشگری ۰/۱۴- و معنادار (p<۰/۰۵) بود. در بررسی تفاوت دانش‌آموزان ساکن شهر و روستا از طریق آزمون t مستقل (بدون پیش‌فرض یکسانی پراکنش) تفاوتی معنادار در هویت اخلاقی (t:۰/۱۴) و در پرخاشگری (t:۰/۳۴) یافته نشد.

ضرایب همبستگی پیرسون مقبول‌نمایی اجتماعی با انسجام خانواده و نمادی‌سازی هویت اخلاقی به ترتیب ۰/۰۸ و ۰/۰۵ و فاقد معناداری بود، اما این ضرایب برای سایر متغیرها شامل پرخاشگری (کل)، پرخاشگری جسمانی و کلامی، خشم، درونی‌سازی هویت اخلاقی، گفت‌وشنود، همنوایی، حمایت خانواده، دوستان و دیگران و حمایت اجتماعی (کل) به ترتیب ۰/۳۲، ۰/۲۲، ۰/۱۸، ۰/۲۸، ۰/۳۱، ۰/۱۶-، ۰/۱۸-، ۰/۱۶-، ۰/۲۸، ۰/۲۸، ۰/۲۳ و ۰/۳۴ بود که همگی واجد معناداری (p<۰/۰۱) بودند. در نتیجه مهار آماری مقبول‌نمایی اجتماعی از سایر روابط از طریق همبستگی تفکیکی ضرورت پیدا کرد. ضرایب همبستگی تفکیکی (جدول ۳) نشان داد که پرخاشگری (کل) دارای رابطه‌ای منفی با متغیرهای مرتبط با خانواده انسجام (تأیید فرضیه ۱) و گفت‌وشنود (تأیید فرضیه ۳) و دارای رابطه مثبت با همنوایی (تأیید فرضیه ۵) و حمایت خانواده (رد فرضیه ۷ از نظر جهت رابطه) بود. همین الگو در مورد انواع پرخاشگری نیز وجود داشت با این تفاوت که پرخاشگری کلامی با انسجام خانواده فاقد رابطهٔ معنادار بود. درونی‌سازی هویت اخلاقی با پرخاشگری و انوع پرخاشگری دارای رابطهٔ منفی معنادار بود، در حالی‌که نمادی‌سازی صرفاً با خشم رابطهٔ منفی معنادار داشت. درونی‌سازی هویت اخلاقی همچنین دارای رابطهٔ مثبت با انسجام (تأیید فرضیه ۲) و گفت‌وشنود (تأیید فرضیه ۴) و دارای رابطهٔ منفی با حمایت خانواده (رد فرضیه ۸ از نظر جهت رابطه) بود. همچنین میان درونی‌سازی و همنوایی رابطهٔ معنادار وجود نداشت (رد فرضیه ۶).

جدول ۳. ضرایب همبستگی تفکیکی متغیرهای پژوهش با تفکیک اثر مقبول‌نمایی اجتماعی

	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	پرخاشگری جسمانی	۱													
۲	پرخاشگری کلامی	۰/۶**	۱												
۳	خشم	۰/۵۳**	۰/۴۸**	۱											
۴	خصومت	۰/۴۶**	۰/۴۶**	۰/۴۳**	۱										
۵	پرخاشگری (کل)	۰/۸۳**	۰/۷۷**	۰/۷۴**	۰/۷۸**	۱									
۶	درونی‌سازی	۰/۳۷**-	۰/۲۳**-	۰/۲۱**-	۰/۲۵**-	۰/۳۵**-	۱								
۷	نمادی‌سازی	۰/۰۶-	۰/۰۱-	۰/۱۳*-	۰/۰۲	۰/۰۵-	۰/۲۴**	۱							
۸	گفت‌وشنود	۰/۲۷**-	۰/۲۱**-	۰/۱۳**-	۰/۱۶**-	۰/۲۵**-	۰/۲۹**	۰/۲۴**	۱						
۹	همنوایی	۰/۱۳**	۰/۱۲*	۰/۱۵*	۰/۱۶**	۰/۱۸**	۰/۰۳-	۰/۱۵*	۰/۱۴*	۱					

جدول ۳. (ادامه)

	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۰	حمایت خانواده	۰/۷۵**	۰/۵۹**	۰/۵۸**	۰/۶۲**	۰/۸۱**	-۰/۲۲**	۰/۰۸	۰/۱۸**	۰/۱۳*	۱				
۱۱	حمایت دوستان	۰/۵۱**	۰/۳۷**	۰/۶**	۰/۵۷**	۰/۶۵**	-۰/۱۶**	۰/۰۲	۰/۱۵*	۰/۱۵*	۰/۳۴**	۱			
۱۲	حمایت دیگران	۰/۴۳**	۰/۶۸**	۰/۵۹۴**	۰/۶۸**	۰/۷۵**	-۰/۲۷**	-۰/۰۸	-۰/۲**	۰/۱۶*	۰/۴۵**	۰/۷۸**	۱		
۱۳	حمایت (کل)	۰/۷۵**	۰/۷۱**	۰/۷۵**	۰/۷۹**	۰/۹۵**	-۰/۲۸**	-۰/۰۷	-۰/۲۳**	۰/۱۷*	۰/۸۴**	۰/۷۱**	۰/۷۸**	۱	
۱۴	انسجام خانواده	-۰/۱۹**	-۰/۰۷	-۰/۱۲*	-۰/۱۱*	-۰/۱۷**	۰/۲۸**	۰/۱۸**	۰/۳۷**	۰/۱۱	-۰/۱۳*	-۰/۱۲	-۰/۰۷	-۰/۱۴*	۱

**: p< ۰/۰۱ ؛ *: p< ۰/۰۵

مقبول‌نمایی اجتماعی در کنار سایر متغیرهای خانوادگی که با پرخاشگری کل رابطهٔ معنادار داشتند (انسجام، گفت‌وشنود، همنوایی و حمایت خانواده) به منزلهٔ متغیرهای پیش‌بین وارد تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام شدند. جدول شمارهٔ ۴ نتیجه این تحلیل را نشان می‌دهد. با توجه به شاخص مقدار اغماض[1] بالاتر از ۰/۰۱ و بالا نبودن میزان تورم پراکنش[2] در جدول شمارهٔ ۳ (VIF) (در همهٔ موارد کمتر از ۲/۵) می‌توان گفت مسالهٔ همخطی چندگانه به‌عنوان محدودیتی برای اعمال روش رگرسیون وجود ندارد. از این گذشته مقدار آماره دوربین ـ واتسون نیز ۱/۶۹ و قابل قبول (۲/۵ تا ۱/۵) بوده که موید وابستگی میان مشاهدات است.

جدول ۴. خلاصهٔ کلی رگرسیون برای پیش‌بینی پرخاشگری کل

مدل		B	β	T	اغماض	VIF	F	تغییرات F	R	R^2	R^2 تعدیل‌شده	تغییرات R^2
۱	حمایت خانواده	۲/۱۸	۰/۸۳	۲۳/۸۲**	۱	۱	۵۶۷/۴۹**	۵۶۷/۴۹**	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۶۹
۲	حمایت خانواده	۲/۱۱	۰/۸۱	۲۲/۸۹**	۰/۹۵	۱/۰۵	۲۹۸/۵۹**	۹/۸۰**	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۷۰	۰/۰۱
	گفت‌وشنود	-۰/۱۷	-۰/۱۱	-۳/۱۳**	۰/۹۵	۱/۰۵						
۳	حمایت خانواده	۲/۰۵	۰/۷۸	۲۲/۳۵**	۰/۹۲	۱/۰۹	۲۱۱/۸۳**	۱۲/۰۱**	۰/۸۴	۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۰۱
	گفت‌وشنود	-۰/۲۰	-۰/۱۳	-۳/۶۸**	۰/۹۳	۱/۰۸						
	همنوایی	۰/۲۹	۰/۱۲	۳/۴۶**	۰/۹۵	۱/۰۵						

**: p< ۰/۰۱

1. Tolerance value
2. Variance inflation

بر اساس نتایج جدول شماره ۴، متغیر مقبول‌نمایی از همهٔ مدلهای گام‌به‌گام خروجی رگرسیون حذف شده است و سه متغیر حمایت خانواده، گفت‌وشنود و همنوایی جمعاً به میزان ۷۱ درصد پرخاشگری را پیش‌بینی کردند (تأیید فرضیه ۹ البته نه در مورد انسجام خانواده). در این میان ۶۹ درصد پراکنش پرخاشگری مربوط به حمایت اجتماعی خانواده بود. این متغیر به‌طور مثبت و دو متغیر گفت‌وشنود و همنوایی به‌طور منفی (هر یک به مقدار ۱ درصد)، توانستند پرخاشگری را پیش‌بینی کنند.

پیش‌بینی‌پذیری درونی‌سازی هویت اخلاقی نیز توسط متغیرهای خانوادگی دارای رابطه با آن (گفت‌وشنود، همنوایی، انسجام و حمایت اجتماعی خانواده) و همچنین مقبول‌نمایی اجتماعی از طریق روش رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام مورد بررسی واقع شد. مقدار آمارهٔ دوربین-واتسون در این بررسی ۱/۵۶ و معرف استقلال موارد مشاهده شده بود. مقدار اغماض بالاتر از ۰/۰۱ بود، به علاوه بالا نبودن میزان VIF در جدول شماره ۵ نشان داد مسالهٔ همخطی چندگانه به‌عنوان محدودیتی برای اعمال روش رگرسیون وجود ندارد (جدول ۵).

جدول ۵. شاخصهای کلی رگرسیون برای پیش‌بینی درونی‌سازی اخلاقی

مدل		B	β	T	تحمل	VIF	F	تغییرات F	R	R^2	R^2 تعدیل‌شده	تغییرات R^2
۱	گفت‌وشنود	۰/۱۷	۰/۳۱	۵/۲۴**	۱	۱	۲۷/۴۶**	۰/۳۱**	۰/۱	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱
۲	گفت‌وشنود	۰/۱۳	۰/۲۴	۳/۷۱**	۰/۸۵	۱/۱۷	۱۹/۲۲**	۰/۳۶**	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۰۳
	انسجام خانواده	۰/۱	۰/۲	۳/۱۶**	۰/۸۵	۱/۱۷						

**: $p < ۰/۰۱$

بر اساس نتایج جدول شماره ۵، متغیر مقبول‌نمایی اجتماعی و حمایت خانواده از همهٔ مدلهای گام‌به‌گام خروجی رگرسیون حذف شده و دو متغیر گفت‌وشنود و انسجام خانواده جمعاً به میزان ۱۳درصد هویت اخلاقی را پیش‌بینی کرده‌اند (تأیید فرضیه ۹ اما نه در مورد حمایت خانواده). در این میان ۹ درصد پراکنش هویت اخلاقی مربوط به گفت‌وشنود بود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که انسجام خانواده با پرخاشگری و ابعاد آن روابطی منفی و با هویت اخلاقی رابطه‌ای مثبت دارد. روابط، با وجود معناداری دارای اندازهٔ اثری اندک بود. یافتهٔ مبتنی بر رابطهٔ منفی پرخاشگری و انسجام خانواده همخوان با پژوهشهای پیشین (بولگا و همکاران، ۲۰۱۷؛ الام و همکاران، ۲۰۱۸؛ یو، ۲۰۱۸ و بکمن، ۲۰۲۰) بود که روابطی منفی با اندازه اثر اندک

تا متوسط را گزارش داده بودند. رابطهٔ انسجام خانوادگی با هویت اخلاقی و پیش‌بینی‌پذیری هویت اخلاقی توسط انسجام اخلاقی اما یافته‌هایی تازه بودند که نشان می‌دادند در خانواده‌های منسجم، اخلاق‌مداری بالاتر و تاحدی پرخاشگری کمتر است. از آنجا که گرما و حمایت و نزدیکی هیجانی در تعاملات باثبات از مشخصه‌های انسجام خانواده است (الام و همکاران، ۲۰۱۸)، این احتمال مطرح است که این روابط نزدیک و باثبات سبب ارتقای اخلاق و تقلیل پرخاش شود. هرچند با توجه به اینکه روابط همبستگی نمی‌توانند به تأیید روابط علی ختم شوند، این احتمال هم مطرح است که افرادی با رشدیافتگی اخلاقی و پرخاشگری اندک، خانواده‌هایی منسجم‌تر را تشکیل می‌دهند. همچنین احتمال رابطه متقابل علی این دو نیز وجود دارد. با این‌حال انسجام خانواده در کنار متغیرهای دیگر پژوهش نتوانست پرخاشگری را پیش‌بینی کند. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت که نقش متغیرهای دیگر پژوهش حاضر پررنگ‌تر باشد.

متغیر دیگری که نقش آن در پیش‌بینی پرخاشگری و هویت اخلاقی تأیید شد، الگوی ارتباطی خانواده بود. رابطهٔ مثبت همنوایی با پرخاشگری همسان با پژوهشهای پیشین مبنی بر رابطهٔ مثبت الگوهای ناپختهٔ ارتباطی با پرخاشگری و رابطهٔ منفی الگوهای پختهٔ ارتباطی و پرخاشگری (شروت و کار، ۲۰۱۲؛ ادنولر و هریس، ۲۰۱۸؛ بولگا و همکاران، ۲۰۱۷؛ لو و همکاران،۲۰۲۱) بود که در آنها نیز مانند یافته‌های حاضر اندازهٔ اثر از اندک تا متوسط بود. اما رابطهٔ الگوهای ارتباطی و هویت اخلاقی یافته‌ای تازه بود. نکتهٔ جالب این‌که ابعاد هویت اخلاقی روابطی متفاوت با همنوایی داشتند. به‌طوری که رابطهٔ نمادی‌سازی به خلاف درونی‌سازی با همنوایی مثبت بود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نمادی‌سازی به مثابه نمایش ظاهری هویت اخلاقی (آکینو و رید، ۲۰۰۲) را افراد همنوا پیگیری می‌کنند، اما درونی‌سازی به منزلهٔ نمایشگر واقعی‌تر هویت اخلاقی (آکینو و رید، ۲۰۰۲) از طریق گفت‌وشنود قابل پیش‌بینی است. البته در اینجا نیز با توجه به ماهیت همبستگی پژوهش نمی‌توان در مورد تأثیرگذاری و علیت مطمئن بود. در واقع شاید به‌جای اطمینان از تأثیر سبک ارتباطی بر شکل‌گیری پرخاشگری و هویت اخلاقی بتوان گفت افرادی با پرخاشگری بیشتر، خانواده‌هایی با همنوایی بیشتر و افرادی با هویت اخلاقی (درونی‌سازی) بالاتر، خانواده‌هایی با الگوهای ارتباطی مبتنی بر گفت‌وشنود را ایجاد می‌کنند. البته شاید با توجه به تأثیر آموزش گفت‌وشنود در درمانها و روشهای تربیتی مؤثر بر رشد اخلاق (ریچارد و همکاران، ۲۰۱۷) و کاهش پرخاش (بیبی و همکاران، ۲۰۱۸) بتوان احتمال اثرگذاری سبک گفت‌وشنود را بیشتر مطرح کرد.

یافتهٔ دیگر پژوهش حاضر یعنی رابطهٔ مثبت حمایت اجتماعی خانواده با پرخاشگری و ابعاد آن، آن هم با اندازهٔ اثری بالا، آشکارا ناهمخوان با پژوهشهای گذشته مبنی بر رابطهٔ منفی این دو متغیر با اندازه اثرهایی اندک تا متوسط (ژاو و همکاران، ۲۰۱۷؛ کانیو و همکاران، ۲۰۱۶؛ آلسانتارا[1]

1. Alcantara

و همـــکاران، ۲۰۱۷؛ رایت و واکس، ۲۰۱۹) بود. ایـــن یافتـــه در مـــورد رابطهٔ پرخاشـــگری بـــا کلیت حمایت اجتماعی و ســـایر ابعاد آن نیز تأیید شـــد. هر چند با توجـــه به هدف پژوهش مبنی بر پیش‌بینی پرخاشگری بر اساس متغیرهای خانوادگی، صرفاً حمایت اجتماعی خانواده وارد تحلیل رگرســـیون شد و در آنجا نیز حمایت خانواده به‌طور مثبت و با میزان پیش‌بینی‌پذیری بالا (۶۹ درصد) پرخاشـــگری را پیش‌بینی کرد. از این گذشته به خلاف پیش‌بینی، یافته‌ها حاکی از رابطهٔ منفی و با اندازهٔ اثر بالای حمایت اجتماعی خانواده با درونی‌سازی هویت اخلاقی بود. هرچند در ترکیب متغیرهای مرتبط با خانوادهٔ پژوهش حاضر، این متغیر نتوانست پیش‌بینی کنندهٔ هویت اخلاقی (درونی‌سازی) باشد. ناهمخوانی رابطهٔ حمایت اجتماعی خانواده و پرخاشگری با پژوهشهای گذشته را شاید بتوان به تفاوت جامعهٔ پژوهش حاضر و پژوهشهای پیشین نسبت داد. پژوهشهای پیشین در بیماران پوستی انگلستان (کانیو و همکاران،۲۰۱۶)، دانشجویان چینی (ژاو و همکاران، ۲۰۱۷)، کودکان و نوجوانان برزیلی (آلســـانتارا و همکاران، ۲۰۱۶) و نوجوانان لاتین‌تبار آمریکایی (رایت و واکس، ۲۰۱۹) انجام شده بود. البته در دو پژوهش یکی در زمینهٔ نوجوانان پرخاشگر عمدتاً آفریقایی‌تبار آمریکایی (کرامر - کاهن و فرل، ۲۰۱۶) و دیگری در زمینهٔ کودکان آمریکایی (ادنولر و هریس، ۲۰۱۸)، گونه‌هایی از حمایت اجتماعی خانواده از پرخاشگری منجر به رفتارها یا نگرشهای پرخاشگرانهٔ کودکان و نوجوانان شده بود. شاید مانند یافته‌های آن دو پژوهش، در محتوای حمایت اجتماعی خانواده‌ها از فرزندان در جامعهٔ پژوهش حاضر نیز رفتارهای پرخاشگرانه مورد حمایت و رفتارهای اخلاقی مورد عدم‌حمایت والدین واقع می‌شدند.

همان‌طور که در مقدمه گفته شـــد، یکی از تفاوتهای میان - فرهنگی در مورد پرخاشگری تأیید وجود فرهنگ افتخار در جوامعی عموماً غیرغربی است که به دلیل پیشینهٔ تاریخی، در آنها دفاع خشن فـــرد از مال و ناموس مورد تأکید و حمایت جامعه قـــرار می‌گیرید (گل و همکاران، ۲۰۲۱). جامعهٔ پژوهش حاضر شامل پسران نوجوانی در شهرستانی کوچک بود که درصدی قابل ملاحظه از آنها (۳۴ درصد) ساکن روستا بودند و و نزدیک به نیمی از آنها در خانوده‌هایی بیش از پنج نفر زندگی می‌کردند و بالاتر از ۶۰ درصد از والدین دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. این شـــرایط احتمالاً معرف افرادی ساکن در فرهنگی سنتی و شاید نزدیک به فرهنگ افتخار باشد. پژوهشهای آینده در زمینهٔ نوجوانانی از جوامع آماری متفاوت‌تر (مثلاً نوجوانان ســـاکن شـــهری بزرگ) و شاید دختران نوجوان جامعه‌ای مشابه، احتمالاً به نتایجی متفاوت در زمینهٔ حمایت اجتماعی خانواده و پرخاشگری ختم شود. شایان ذکر است که وجود فرهنگ افتخار در جامعهٔ مورد بررسی صرفاً در حد یک احتمال است و شواهدی علیه آن شـــامل برخی روابط متغیرهای جمعیت‌شناختی نزدیک به فرهنگ افتخار (روستایی بودن، داشتن خانواده‌ای پرجمعیت‌تر) و متغیرهای وابسته وجود دارد، به‌طوری‌که داشتن تعداد افراد خانوار بیشـــتر دارای رابطهٔ منفی با پرخاشگری و دارای رابطهٔ مثبت با هویت اخلاقی بود. همچنین تفاوتی

میان شرایط سکونت در شهر و روستا و پرخاشگری و هویت اخلاقی وجود نداشت. البته شواهدی نیز در راستای این احتمال در رابطهٔ متغیرهای جمعیت‌شناختی و پرخاشگری وجود داشت، به این شکل که تحصیلات مادر و پرخاشگری دارای رابطهٔ منفی بود. در هر حال لازم است برای تبیینی مطمئن‌تر در آینده پژوهشهایی انجام شود که فرهنگ افتخار را بسنجد و روابط حمایت خانواده و پرخاشگری را در بستر جامعهٔ آماری با این فرهنگ بررسی کند.

یافته‌ها نشـــان دادند که از میان متغیرهای پیش‌بین، حمایت خانواده، گفت‌وشنود و همنوایی ۷۱ درصد از پرخاشـــگری و متغیرهای گفت‌وشنود و انســـجام خانواده ۱۳ درصد هویت اخلاقی (درونی‌ســـازی هویت اخلاقی) را در نوجوانان پسر تبیین می‌کنند. درصد پیش‌بینی‌پذیری به ویژه برای پرخاشگری قابل ملاحظه است. با توجه به اینکه گرایشهای جامعه‌یاری چون هویت اخلاقی و گرایشهای جامعه‌ستیزانه‌ای چون پرخاشگری در بسیاری از الگوهای نظری نگرشها و رفتارهایی‌اند که از دیگران و از جمله از خانواده الگوبرداری و درونی شـــده‌اند (وینســـترا و همکارن، ۲۰۱۸) و با توجه به عوامل درونداد موقعیتی و شخصیتی مؤثر بر پرخاشگری در الگوی پرخاشگری عمومی (آلن و همکاران، ۲۰۱۸) که به لحاظ مفهومی با متغیرهای خانوادگی پژوهش حاضر همپوشـــانی دارند، می‌توان احتمال داد که متغیرهای خانوادگی بر گرایشهای جامعه‌ستیزی چون پرخاشگری و گرایشـــهای جامعه‌یاری چون هویت اخلاقی تأثیر داشته باشند. در صورتی که پژوهشهای بعدی با طرح آزمایشی نیز بتوانند این تأثیرگذاری را تأیید کنند می‌توان از مداخلات در سطح متغیرهای خانوادگی این پژوهش، به کاهش پرخاشـــگری به عنوان رفتاری رایج در دانش‌آموزان دبیرستانی پسر ایرانی (ترشیزی و سعادتجو، ۱۳۹۱؛ بخشانی و همکاران، ۱۳۸۶) مبادرت ورزید.

محدودیتهای پژوهش

با توجه به ماهیت همبستگی پژوهش حاضر، ارائهٔ تبیین علی در حد احتمال است و نمی‌توان با قطعیت دربارهٔ تأثیر متغیرهای خانوادگی اظهارنظر کرد.

پیشنهادهای کاربردی

بـــرای اطمینان از ماهیت علی این روابط، انجام تحقیقات طولی یا مداخله‌ای معطوف به خانواده توصیه می‌شـــود. همچنین پیشنهاد می‌شـــود که در مورد حمایت اجتماعی با توجه به روابط بسیار متفاوت آن با پرخاشگری و هویت اخلاقی نسبت به پژوهشهای پیشین، پژوهش حاضر دربارهٔ نوجوانانی از سطوح اجتماعی - اقتصادی مختلف تکرار شود. در صورتی که تأیید شود حمایت اجتماعی خانواده‌ها در برخی فرهنگها ممکن است سبب افزایش پرخاشگری و کاهش هویت اخلاقی شود، مداخله‌های آموزشی برای تغییر دادن محتوای مورد حمایت خانواده‌ها از رفتار فرزندشان ضرورت می‌یابد.

منابع

REFERENCES

بخشـــانی، نورمحمد؛ لشکری‌پور، کبری؛ بخشانی، سمیه و حسین‌بر، محســـن. (۱۳۸۶). شیوع رفتارهای پرخطر مرتبط با آسیب‌های عمدی و غیرعمدی در دانش‌آموزان دبیرستانی سیستان و بلوچستان. *طبیب شرق*، ۹ (۳)، ۱۹۹-۲۰۸.

ترشـــیزی، مرضیه و سعادتجو، سیدعلیرضا. (۱۳۹۱). شیوع پرخاشگری و برخی عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر بیرجند (سال ۸۹-۱۳۸۸). *مراقبت‌های نوین*، ۹ (۴) ، ۳۵۵-۳۶۳.

جمشیدی، بهنام؛ رزمی، محمدرضا؛ حقیقت، شهربانو و سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با ابعاد کمال‌گرایی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۲)، ۱۹۹-۲۰۵.

خباز، محمود؛ بهجتی، زهرا و ناصری، محمد. (۱۳۹۰). رابطه حمایت اجتماعی و ســـبک‌های مقابله با تاب‌آوری در پســـران نوجوان. *روان‌شناسی کاربردی*، ۵ (۴)، ۱۲۳-۱۰۸.

ســـامانی، سیامک. (۱۳۸۱). *بررسی مدل علی برای همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

سعدی‌پور، اسماعیل. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: نشر دوران.

عظیم‌پور، علیرضا؛ نیسی، عبدالکاظم؛ شهنی‌ییلاق، منیجه؛ ارشدی، نسرین و بشلیده، کیومرث. (۱۳۹۳). اعتباریابی مقیاس «اهمیت برای خویشتن هویت اخلاقی» برای دانشجویان. *فصلنامه شخصیت و تفاوتهای فردی*، ۳ (۴)، ۱۹-۳۸.

کورش‌نیا، مریم و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳ (۴)، ۸۵۵-۸۷۵.

محمدی، نوراله. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی شاخص‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه پرخاشگری باس -پری. *نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۵ (۴)، ۱۳۱-۱۵۱.

نجاریان، بهمن و سودانی، منصور. (۱۳۸۰). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش تحریف واقعیت. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳ (۸)، ۹۹-۱۱۴.

Alcantara, S. C., González-Carrasco, M., Montserrat, C., Viñas, F., Casas, F., & Abreu, D. P. (2017). Peer violence in the school environment and its relationship with subjective well-being and perceived social support among children and adolescents in northeastern Brazil. *Journal of Happiness Studies, 8*(5), 1507-1532.

Allen, J. J., Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2018). The General Aggression Model. *Current Opinion in Psychology, 19*, 75-80.

Aquino, K., & Reed, A. II. (2002). The self-importance of moral identity. *Journal of Personality and Social Psychology*, *83*(6), 1423-1440.

Azimpour, A., Neasi, A., Shehni-Yailagh, M., & Arshadi, N. (2012). Validation of «Prosocial Tendencies Measure» in Iranian university students. *Journal of Life Science and Biomedicine, 2*(2), 34-42.

Baby, M., Gale, C., & Swain, N. (2018). Communication skills training in the management of patient aggression and violence in healthcare. *Aggression and Violent Behavior*, *39*, 67-82.

Beckmann, L. (2020). Family relationships as risks and buffers in the link between parent-to-child physical violence and adolescent-to-parent physical violence. *Journal of Family Violence, 35*, 131-141.

Buelga, S., Matrinez-Ferrer, B., & Cava, M. J. (2017). Differences in family climate and family communication among cyberbullies, cybervictims and cyber bully-victims in adolescents. *Computers in Human Behavior, 76*, 164-173.

Buss, A. H., & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, *63*(3), 452-459.

Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Mahwah, NJ: Erlbaum.

Coneo, A. M. C., Thompson, A. R., & Lavda, A. (2017). The influence of optimism, social support and anxiety on aggression in a sample of dermatology patients: an analysis of cross-sectional data. *The British Journal of Dermatology*, *176*(5), 1187-1194.

Elam, K. K., Chassin, L., & Pandika, D. (2018). Polygenic risk, family cohesion, and adolescent aggression in Mexican American and European American families: Developmental pathways to alcohol use. *Development and Psychopathology, 30*(5), 1715-1728.

Gul, P., Cross, S. E., & Uskul, A. K. (2021). Implications of culture of honor theory and research for practitioners and prevention researchers. *American Psychologist, 76*(3), 502-515.

Jiménez, T. I., & Estévez, E. (2017). School aggression in adolescence: Examining the role of individual, family and school variables. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, *17*(3), 251-260.

Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Annals of the International Communication Association, 26*(1), 36-65.

Kramer-Kuhn, A. M., & Farrel, A. D. (2016). The promotive and protective effects of family factors in the context of peer and community risks for aggression. *Journal of Youth and Adolescence, 45*(4), 793-811.

Larson, R. B. (2019). Controlling social desirability bias. *International Journal of Market Research, 61*(5), 534-547.

Lu, Y., Pettigrew, J., Shin, Y., Castillo, M. A. & Allsup, J. (2021). How does family communication relate to adolescent dating violence and externalizing behaviors? The role of parent-adolescent risk communication and attitudes toward violence in a Nicaraguan sample. *Health communication, 36*(10), 1268–1277.

Odenweller, K. G., & Harris, T. M. (2018). Intergroup socialization: The influence of parents' family communication patterns on adult children's racial prejudice and tolerance. *Communication Quarterly*, *66*(5), 501-521.

Richard, D., Keen, C., Hetcher, J. A., & Pease, A. (2017). Pathway to adult civic engagement: Benefits of reflection and dialogue across difference in higher education service-learning programs. *Michigan Journal of Community Service Learning, 23*(1), 60-74.

Reynolds, W. M. (1982). Development of reliable and valid short forms of the Marlowe-Crowne Social Desirability Scale. *Journal of Clinical Psychology, 38*(1), 119-125.

Sahertian, C. D. W., Sahertian, B. A. & Wajabula, A. E. (2021). Interpersonal communication within the family for improving adolescent religiosity. *HTS Teologiese Studies/Theological Studies, 77*(4), a6267.

Schrodt, P., & Carr, K. (2012). Trait verbal aggressiveness as a function of family communication patterns. *Communication Research Reports, 29*(1), 54-63.

Valois, R. F., Zullig, K. J., & Revels, A. A. (2017). Aggressive and violent behavior and emotional self-efficacy: Is there a relationship for adolescents? *Journal of School Health, 87*(4), 269-277.

Van der Graaff, J., Carlo, G., Crocetti, E., Koot, H. M., & Branje, S. (2018). Prosocial behavior in adolescence: Gender differences in development and links with empathy. *Journal of Youth and Adolescence, 47*(5), 1086-1099.

Vaux, A., Phillips, J., Holley, L., Thompson, B., Williams, D., & Stewat, D. (1986). The Social

Support Appraisals (SS-A) scale: Studies of reliability and validity. *American Journal of Community Psychology, 14*(2),195-218.

Veenstra, L., Bushman, B. J., & Koole, S. L. (2018). The facts on the furious: A brief review of the psychology of trait anger. *Current Opinion in Psychology, 19*, 98-103.

Wright, M. F., & Wachs, S. (2019). Does social support moderate the relationship between racial discrimination and aggression among Latinx adolescents? A longitudinal study. *Journal of Adolescence, 73*, 85-94.

Yuh, J. (2018). Aggression, social environment, and Internet gaming addiction among Korean adolescents. *Social Behavior and Personality, 46*(1), 127-138.

Zhou, J., Yang, J., Yu, Y., Wang, L., Han, D., Zhu, X., … Yang, Y. (2017). Influence of school-level and family-level variables on Chinese college students' aggression. *Psychology, Health & Medicine, 22*(7), 823-833.

Quarterly Journal of
Family and Research

Predicting Aggression and Moral Identity Based on Family Cohesion, Family Communication Patterns and Family Social Support*

■ S. Pourrezaee[1] ■ A. R. Azimpour, Ph.D.[2] ■ N. Mohammadi, Ph.D.[3]

Abstract

According to general aggression model, it is expected that antisocial and prosocial tendencies can be affected by family-related variables. The present study sought to predict aggression and moral identity based on family cohesion, family communication patterns and family social support. The research design was correlational and the population of the study was comprised of male high school students in Estahban in 2018-19 school year. The sample consisted of 253 individuals who were selected through cluster sampling method. The research instruments included Aggression Questionnaire (Buss & Perry, 1992), Self-Importance of Moral Identity Scale (Aquino & Reed, 2002), Social Support Questionnaire (Vaux et al., 1986), Revised Family Communication Patterns Scale (Koerner et al., 2002), Family Cohesion Questionnaire (Samani, 2002) and Crowne & Marlowe Social Desirability Scale (1982). Data were analyzed via Pearson correlation, partial correlation and multiple regression by SPSS22. Results revealed that conversation orientation as a communication pattern and family cohesion correlated to aggression negatively and to moral identity positively. Furthermore, conformity orientation as another communication pattern and family social support correlated to aggression positively and to moral identity negatively. Family social support, conformity orientation and conversation orientation could account for 71% of variance in aggression. In addition, conversation orientation and family cohesion could account for 13% percent of variance in moral identity. The positive relationship between social support and aggression and its negative association with moral identity was contrary to expectations. Nevertheless, this study has confirmed the role of family variables in aggression and moral identity.

Keywords: **aggression, family cohesion, family communication patterns, family social support, moral identity**

Date received: Jan. 18, 2022 **Date accepted:** July 23, 2022

* *This article is derived from the first author's Master's thesis.*

1. Graduate of master's program in Psychology, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran.
E-mail: sajjadpourrezaie@yahoo.com
2. **Corresponding Author:** Assistant Professor of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran.
E-mail: a.azimpour@kazerunsfu.ac.ir
3. Professor of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.
E-mail: nmohamadi@shirazu.ac.ir